

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال پنجم، شماره بیستم، پائیز ۱۳۹۲

ص ص ۲۱-۷

شکل‌گیری و گسترش پدیده حاشیه‌نشینی نوین در کلانشهر تهران از انقلاب اسلامی

تاکنون (مطالعه موردی: محله حصارک تهران، ۱۳۹۲ هجری شمسی)

زهرا کامرانی^۱

دکتر سیف‌اله سیف‌اللهی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۲۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۲/۱۳

چکیده

مطالعه حاضر به نقد و بررسی شکل‌گیری و گسترش پدیده حاشیه‌نشینی نوین در کلانشهر تهران از انقلاب اسلامی تاکنون و هم‌چنین به علل و عواملی که از بطن روابط و مناسبت‌های اجتماعی جامعه‌ی ایران برخاسته و با گذشت زمان، شکل ساختاری به خود گرفته است، می‌پردازد. بررسی اسناد و مدارک معتبر و انجام مشاهده‌هایی در قالب روش‌های اسنادی، میدانی و پیمایشی و تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها، فیش‌برداری، پرسشنامه و مصاحبه، موارد آمده را به عنوان علل و عوامل حاشیه‌نشینی نوین در محله حصارک، واقع در منطقه ۵ تهران، قلمداد می‌کنند: ۱. بیکاری؛ ۲. نداشتن درآمد کافی؛ ۳. فقدان امکانات رفاهی، آموزشی و فرهنگی؛ ۴. ارزانی زمین؛ ۵. ارزانی اجاره منزل. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در محله حصارک، دافعه‌های اقتصادی، فرهنگی و نیز جاذبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری و گسترش این پدیده نقش چشمگیری دارند؛ اما دافعه اجتماعی، نقش کم‌رنگ‌تری در به وجود آمدن پدیده مذکور دارد؛ پس با توجه به راهکارهای ارائه شده می‌توان تا حدودی مشکل‌های حاشیه‌نشینان حصارک را مرتفع سازیم: ۱. افزایش سطح سواد ساکنان؛ ۲. افزایش توان مالی ساکنان به همراه اشتغال‌زایی؛ ۳. توجه بیشتر به طرح‌های محله‌ای و ناحیه‌ای؛ ۴. افزایش میزان مشارکت در نهادهای اجتماعی محله؛ ۵. ایجاد فضاهای فرهنگی، ورزشی، تفریحی و بهداشتی.

واژگان کلیدی: مهاجرت، حاشیه‌نشینی نوین، دافعه روستایی، جاذبه‌ی شهری.

۱. دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران - ایران.

E-mail: zhrakamrany@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جامعه‌شناسی؛ تهران - ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

پدیده حاشیه‌نشینی ریشه در تاریخ زندگی اجتماعی انسان‌ها دارد. این پدیده در معنای امروزی، با پیدایش شهرنشینی، ابتدا در دل جهان سرمایه‌داری صنعتی و سپس در کشورهای در حال توسعه، رشد یافته است. روستاییان مهاجر به دلایل مختلف؛ از قبیل: جاذبه‌های شهر بزرگ مانند؛ درآمد بهتر، یافتن شغل مناسب‌تر و ... دافعه‌های زادگاه خود مانند؛ بیکاری، عدم امکانات رفاهی و بهداشتی، به سوی شهرها هجوم آوردند و به دلیل نداشتن پول کافی و شغل مناسب مجبور به سکونت در مناطق حاشیه‌ای شده‌اند. حاشیه‌نشین به مفهوم کلی، به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند (داودپور، ۱۳۸۴: ۱۳).

افزایش سرعت رشد جمعیت جهان در دو قرن اخیر و افزایش جمعیت شهرنشینی موجب تمرکز جمعیت در قطب‌های توسعه و رشد شده است؛ این تمرکز در قرن بیستم به خصوص در شهرهای بزرگ، جایی که محل انباشت ثروت و سرمایه بود، اتفاق افتاده است؛ به طوری که در سال ۱۹۹۹ سه میلیارد نفر از مردم دنیا در شهرها و بیش از یک میلیارد نفر در ۳۵۲ کلانشهر سراسر جهان زندگی می‌کردند. هر چند امروزه سرعت رشد شهرنشینی در کشورهای توسعه یافته در وضعیت مناسب و کنترل شده‌ای قرار دارد، اما رشد شتابان آن در کشورهای در حال توسعه کاملاً مشهود است و این امر موجب رشد مناطق کلانشهری این کشورها شده است (همان).

از آن‌جا که اصلاحات ارضی و پیامدهای ناشی از آن در ایران، خیل عظیم مهاجران روستایی را روانه شهرها نمود که پیامد آن رشد سریع شهرنشینی در کشور بوده است و این رشد فزاینده به تدریج خود را به صورت پیدایش محلات حاشیه‌نشین در شهرها نشان داد و دامنه آن به واسطه مسائل مختلف داخلی کشور، روز به روز بیشتر گردید به گونه‌ای که نه تنها کلانشهرها، بلکه شهرهای میانی نیز در گیر چنین پدیده‌ای شده اند (لطفی، ۱۳۹۰: پیشگفتار).

انباشت سرمایه و ایجاد فرصت‌های شغلی در منطقه کلانشهری تهران و کمبود یا نبود این امکانات در سایر مناطق کشور نیز در دهه‌های اخیر موجب تمرکز جمعیت و فعالیت در این منطقه گردیده و سبب شکل‌گیری و رشد فزاینده سکونتگاه‌های خودرو در حاشیه شهر تهران شده است. این سکونتگاه‌ها، با وجود پیوستگی زیادی که به لحاظ اقتصادی (اشتغال) با شهر اصلی دارند، دارای تفاوت‌های اساسی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و به خصوص کالبدی با شهر مادر هستند. بر اساس بررسی‌های انجام شده حدود ۴۲ درصد جمعیت شهرنشین کشورهای در حال توسعه در این سکونتگاه‌های غیر رسمی ساکن هستند (داودپور، ۱۳۸۴: ۱۳).

یکی از قدیمی‌ترین مطالعه‌ها، حاشیه‌نشینی را این‌گونه تعریف می‌کند: "مفهوم حاشیه‌نشینی به معنای اعم شامل: تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند، ولی جذب اقتصاد شهری نشده-

اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشد و بیشتر مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذران بهتر زندگی، راهی شهرها می‌شوند" (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۵).

به عبارتی "حاشیه‌نشینان، بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر و کمتر شهری (از شهرهای دیگر و یا خود شهر) هستند که اغلب فاقد مهارت لازم شهری و بعضی غیر ماهر هستند؛ این افراد بیشتر به علت عوامل رانش زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خود را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند؛ آن‌ها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر عوامل پس‌ران شهری از سوی دیگر، از محیط شهری پس‌زده می‌شوند و به تدریج در کانون‌های به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر، در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند؛ به صورتی که در محل سکونت و نوع مسکن آن‌ها با محل سکونت متعارف شهری، مغایر بوده و مالکیت آن‌ها اغلب غصبی است. هم‌چنین حاشیه‌نشینان از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با جمعیت شهری تمایز دارند" (همان: ۱۰).

مطالعه‌های انجام شده در محله حصارک (واقع در منطقه ۵ تهران) نشان می‌دهند که جمعیت حصارک حدود ۱۴۰۰۰ نفر (نیمی زن و نیمی مرد) هستند که حدود ۱۰۰۰ نفر اتباع افغانی (که البته تعداد زن‌های افغانی نسبت به مردها بیشتر است) و حدود ۱۰۰۰ نفر مهاجر از شهرهای: اردبیل، تبریز، لرستان، اراک و کردستان و ... در حصارک ساکن هستند. افرادی که به عنوان حاشیه‌نشین در آن‌جا ساکن شده‌اند در جامعه حصارک مورد پذیرش قرار نگرفته‌اند و در محیط جذب نشده‌اند. حاشیه‌نشینان دارای روحیه درون‌گرویی و همبستگی هستند و چون این افراد به سرنوشت و شانس به دلیل عدم توانایی در مقابله با سختی‌ها و ناملایمات زندگی، رایج بودن بیکاری (بیکاری پنهان) و کم‌کاری، نگرانی از آینده به جهت عدم اطمینان از تداوم درآمدهای روزانه، مواجه هستند و چون جامعه آن‌ها را نپذیرفته درحقیقت این‌گونه خودشان را در مقابل حوادث بیمه می‌کنند. حاشیه‌نشینی نوین باعث متحول شدن جامعه می‌شوند و لایه‌های اجتماعی محله را به هم می‌زنند و این نشانی از توسعه نیافتگی، توسعه ناموزون و تحمیلی است.

مردم در محله حصارک با مسائل و مشکلاتی از قبیل: کوچه‌های تنگ و نامنظم، مساکن با مصالح بی‌دوام و متراژ پایین، تراکم بسیار شدید جمعیت، نبود امکانات رفاهی، معضلات زیست محیطی و سطح پایین آگاهی، سواد، توسعه نیافتگی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و رفاه اجتماعی و ... مواجه هستند. پیامدهای این مشکلات می‌تواند برای سلامت شهر و ساکنان آن آثار مخربی در پی داشته باشد. اهالی حصارک با فروش زمین‌ها و خانه‌ها نسبت به حاشیه‌نشینان از نظر مالی وضعیت بهتری پیدا کرده‌اند و با کسب درآمد زیاد آپارتمان‌های زیبا ساخته‌اند و نمای محله از حالت روستایی گذشته خود در آمده است و رنگ و بوی شهری به خود گرفته است، ولی با این حال حاشیه‌نشینان حصارک هم‌چنان خلق و خو و رفتار جوامع روستایی را بروز می‌دهند.

اهداف تحقیق

- مطالعه و بررسی وضع موجود حاشیه‌نشینی و حاشیه‌نشینی نوین در تهران؛
- مطالعه و بررسی وضع موجود حاشیه‌نشینی نوین در منطقه ۵ تهران، محله حصارک؛
- مطالعه و بررسی علل و عوامل به وجود آمدن حاشیه‌نشینی و حاشیه‌نشینی نوین در تهران؛
- ارائه راهکارهای راهبردی و کاربردی در جهت سامان‌دهی و کاهش حاشیه‌نشینی نوین.

ابزار و روش

با توجه به اصول و مبانی روش‌شناسی، روش‌های مورد استفاده در این پژوهش، روش‌های اسنادی، پیمایشی و مطالعات میدانی هستند. در روش پیمایشی برای جمع‌آوری داده‌ها از فن پرسشنامه استفاده شده است.

در این پژوهش با توجه به سازه اصلی، تعاریف، اهداف و سوال‌های پژوهش، لازم بود از روش‌های اسنادی و میدانی به صورت همزمان برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرد و به همین دلیل، روش پیمایشی برای جمع‌آوری داده‌های کمی و از روش اسنادی برای جمع‌آوری داده‌های نظری و از روش‌های مطالعه میدانی برای جمع‌آوری داده‌های کیفی استفاده شده است. هر یک از ابزارهای مصاحبه، مشاهده و پرسش-نامه برای شکل‌گیری و گسترش پدیده حاشیه‌نشینی نوین در کلانشهر تهران از انقلاب اسلامی تاکنون، از جمله حصارک، به کار رفته است.

مبانی و چارچوب نظری

در جهت تهیه و تدوین چهارچوب نظری تحقیق، ضرورت دارد عمده نظریه‌های موجود در این حوزه نقد و بررسی شود تا از رهگذر چنین نقد و بررسی، دست‌یابی به چهارچوب نظری ویژه، موضوع تحقیق فراهم آید.

نظریه بوگ^۱

بوگ با طرح مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد انگیزه برای مهاجرت‌های روستا-شهری معتقد است دو گروه از عوامل: کشش^۲ و فشار^۳ در مهاجرت‌های روستا-شهری مؤثر هستند. وی معتقد است کشش یا جاذبه-ها اغلب فرصت‌های شغلی بهتر، فرصت مناسب جهت کسب درآمد بیشتر، وجود مراکز تفریحی جذاب فعالیت‌های فرهنگی، شرایط خوب و قابل قبول محیط کار و زندگی چون؛ مسکن و خدمات آموزشی و سرانجام فرصت‌های مطلوب جهت دست‌یابی به آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای چون؛ تحصیل در مراکز

1. Bogue

2. Pull Factors

3. Tension Factors

آموزشی را در بر می‌گیرد که بیشتر در شهرها متمرکز هستند و پاره‌ای از عوامل فشار یا دفع نیز سبب جدایی جمعیت از روستاها و جذب آن‌ها به شهرها می‌گردد؛ عواملی چون: ۱. کاهش منابع مالی و عدم توجه به بخش کشاورزی؛ ۲. مکانیزه شدن فعالیت‌های کشاورزی و ایجاد محدودیت‌های شغلی در بخش کشاورزی؛ ۳. نبود بستر مناسب جهت رشد خلاقیت‌های فردی، رشد شخصیت، ازدواج و اشتغال؛ ۴. بروز حوادث طبیعی مستمر چون؛ سیل و خشکسالی‌ها؛ ۵. وجود روابط ناعادلانه و تبعیض‌آمیز؛ از مهم‌ترین دلایل مانع از ماندگاری جمعیت در مناطق روستایی محسوب می‌شود (قاسمی‌سیانی، ۱۳۸۸: ۱۵۶-۱۵۵).

نظریه‌ی لی و بوگ^۱

لی و بوگ (۱۹۶۰-۱۹۸۱) بر نقش عوامل جاذبه و دافعه در ایجاد مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهرنشین و ایجاد حاشیه‌نشینی تأکید می‌کنند؛ وجی هولزر (۱۹۸۱) و همکاران معتقدند که مهاجرت‌های داخلی به میزان قابل توجهی از فرآیند برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و در بعضی موارد الگوهای برنامه‌ریزی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، باعث تشدید مهاجرت‌ها به مناطق شهری می‌شود (قرخلو و دیگری، ۱۳۹۰: ۲).

نظریه اورت. س. لی^۲

اورت. س. لی در ۱۹۶۶ در مقاله‌ای با عنوان "نظریه‌ای درباره مهاجرت" که در مجله جمعیت‌شناسی آمریکا منتشر کرد، مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده زیر تبیین کرد:

الف) عوامل موجود در مبدأ^۳ (برانگیزنده و یا بازدارنده)؛ ب) عوامل موجود در مقصد^۴ (برانگیزنده و یا بازدارنده)؛ ج) موانع در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد^۵ (موانع بازدارنده)؛ د) عوامل شخصی^۶.

نظریه وی به تئوری عوامل دافعه و جاذبه معروف است و بر آن اساس، در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و یا بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند. وی وجود امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه به حساب می‌آورد و در مقابل هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط زیست را از عوامل دافعه محسوب می‌دارد. نکته قوت نظریه لی تأکید درست و به جای او درباره عوامل شخصی است؛ تحت تأثیر این عوامل است که برخی از

1. lee & boug

2. Everett S. Lee

3. Origin

4. Destination

5. Intervening

6. Personal Factor

افراد مهاجرت را ترجیح می‌دهند و به آن مبادرت می‌ورزند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می‌مانند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۳-۱۳۳).

رویکرد سیف‌اللهی

سیف‌اللهی علل و عوامل تحرکات مکانی و اجتماعی را در دو طیف وسیع تحت عنوان؛ عوامل دفع کننده روستایی و عوامل جذب کننده شهری طبقه‌بندی می‌کند.

- عواملی که موجبات دفع روستاییان از روستا را فراهم می‌آورد؛ عبارتند از:

۱. بیکاری پنهان؛
 ۲. شرایط نامساعد اجتماعی-اقتصادی؛
 ۳. محدودیت زمین؛
 ۴. عدم دسترسی به مشاغل معتبر؛
 ۵. متکی بودن بر کشاورزی؛
 ۶. سیاست‌های توزیع ناعادلانه و سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای،
 ۷. تمرکز زمین در دست عده‌ای محدود؛
 ۸. تمرکز مردم در فعالیتهای غیرکشاورزی و پایین بودن کیفیت فعالیتهای روستاییان؛
 ۹. ناهماهنگی ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و روانی،
 ۱۰. حضور اختلاف‌های قومی، قبیله‌ای و خانوادگی و عدم امنیت اجتماعی در مناطق روستایی؛
- عواملی که موجب جذب روستاییان به شهرها می‌شوند را نیز می‌توان چنین طبقه‌بندی کرد:
۱. دسترسی بهتر به امکانات بهداشتی و درمانی؛
 ۲. تمرکز فعالیتهای فرهنگی؛
 ۳. حضور عوامل مناسب اقتصادی و اداری؛
 ۴. تمرکز صنایع و تکنولوژی؛
 ۵. حضور دانش فنی و فن‌آوری‌های کارا (سهولت کارها با استفاده از ماشین و ابزار)؛
 ۶. حضور سرمایه‌های خارجی و تأثیر آن روی عوامل جذب کننده؛
 ۷. حاکمیت ارزش‌های نوین (آزادی‌های نسبی) (سیف‌اللهی، ۱۳۸۶: ۲۴۱-۲۴۰).

چهارچوب نظری

همان‌گونه که در مباحث نظری ملاحظه می‌شود، مهاجرت و حاشیه‌نشینی نوین از جمله مفاهیمی است که در ادبیات جامعه‌شناسی به اشکال گوناگون، تحقیق و بررسی می‌شود. مهاجرت یا کوچ کردن همواره

یکی از راه‌هایی بوده است که به انسان در تلاش خود برای سازگاری با محیط و فایق آمدن بر دشواری‌ها کمک کرده است؛ اما اگر این جریان در طول تاریخ به عنوان یک وسیله تنظیم خود به خودی منابع و موجودات تلقی شده است، در این دوره، جنبه‌های منفی آن نیز آشکار شده و اثرات اقتصادی، اجتماعی حاصل از این جریان در چارچوب اقتصاد توسعه مورد توجه قرار گرفته است به عبارت دیگر؛ شاید بتوان گفت که مهاجرت هم‌زاد زندگی اجتماعی بشر بوده است؛ بدین‌سان که از زمانی که انسان نخستین مرحله معیشتی خود یعنی؛ مرحله‌گردآوری خوراک را آغاز نمود، برای تامین معیشت خود از یک سو و جهت ایمن ماندن از گزند حوادث طبیعی از سوی دیگر، ناگزیر از حرکت از مکانی به مکان دیگر بود؛ انسان در مرحله بعد یعنی؛ مرحله تولید خوراک است که توانست یکجانشینی را انتخاب نماید و مکانی ثابت جهت اسکان بیابد. ولی به رغم اسکان عمومی بشر، جمعی از انسان‌ها به دلیل زندگی شبانی هم‌چنان کوچ‌روی را تاکنون ادامه داده‌اند.

به هر حال اگر از سرگذشت تاریخی انسان بگذریم، موضوع مهاجرت به دنبال انقلاب صنعتی در اروپا به دلیل تحولات شگرف اقتصادی، اجتماعی، در جوامع آن دیار به عنوان یک مشکل اجتماعی، سر برآورد؛ اما به دلیل رشد پایین جمعیت در اروپا از یک سو و جذب مهاجران در صنایع نوپا و رو به رشد شهری از سوی دیگر، جایجایی جمعیت، مشکل اساسی برای جوامع آن سامان ایجاد نکرد؛ اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل رشد سریع جمعیت از یک سو و توزیع نابرابر امکانات و رشد اقتصادی کند و نامتوازن از سوی دیگر، امواج مهاجرت انسان‌ها چه از روستاها به شهرها و چه از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ به عنوان یک مشکل اساسی بروز نمود.

هجوم سیل‌آسای روستاییان به شهرها به ویژه شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه مانند تهران را باید در از هم پاشیده شدن نظام‌های سنتی تولید روستایی از یک سو و وجود فرصت‌های شغلی مناسب از سوی دیگر جستجو کرد. در حقیقت چهار عامل اساسی و عمده باعث بروز مسئله مهاجرت روستاییان به شهرها می‌باشد که به ترتیب اهمیت عبارتند از: ۱. عوامل اقتصادی و درآمد؛ ۲. عوامل رفاهی و خدماتی؛ ۳. عوامل اجتماعی؛ ۴. عوامل روانی. مهاجران به محله‌های مهاجرنشین هجوم می‌برند که در حاشیه شهرها مانند قارچ رشد می‌کنند. بسیاری از آن‌ها در شرایطی زندگی می‌کنند که از کم‌ترین امکانات اولیه نیز بی‌بهره‌اند. هم‌زمان با افزایش مکان‌های حاشیه‌نشین، شاهد گسترش بی‌رویه‌ی نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی مانند: فقر، بیکاری و بزهکاری، تفاوت‌های فرهنگی و بی‌سوادی هستیم.

بنابراین با توجه به توضیحات ذکر شده و نظریات جامعه‌شناسی مرتبط با حاشیه‌نشینی نظریه‌های اصلی این پژوهش تلفیقی از نظریه نظریه‌پردازان داخلی و خارجی مانند: اورت. س. لی، لی و بوگ، بوگ و سیف-اللهی، دافعه و جاذبه روستا و شهر را عامل مهاجرت می‌دانند که باعث حاشیه‌نشینی شهرها می‌باشند و در این تحقیق از نظریه این نظریه‌پردازان استفاده شده است.

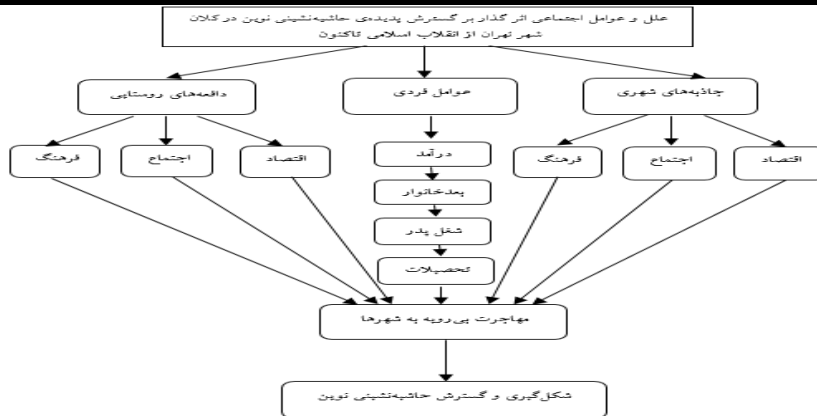
اُورت سی. لی دافعه روستا، جاذبه شهری (امکانات آموزشی، اشتغال، درآمد بالا در شهر، هزینه بالای زندگی) و عوامل شخصی را بیان می‌کند و می‌تواند چارچوب خوبی برای بررسی پدیده مهاجرت و حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه باشد و فرضیه‌هایی که در این نظریه به کار رفته خیلی ساده و قابل بررسی هستند و نکته قوت او در این نظریه تأکید او بر عوامل شخصی است که برخی از افراد مهاجرت را ترجیح می‌دهند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می‌مانند، از این رو برخی از فرضیه‌های این دیدگاه را می‌توان برای تبیین مهاجرت‌های روستا-شهری به کار برد.

بوگ با طرح مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد انگیزه برای مهاجرت‌های روستا-شهری معتقد است دو گروه از عوامل کشش و عوامل فشار در مهاجرت‌های روستا-شهری مؤثر هستند. وی معتقد است کشش یا جاذبه‌ها و بیشتر فرصت‌های شغلی بهتر، فرصت مناسب جهت کسب درآمد بیشتر، وجود مراکز تفریحی جاذب، فعالیت‌های فرهنگی و ... و پاره‌ای از عوامل فشار یا دفعی چون: ۱. کاهش منابع مالی و عدم توجه به بخش کشاورزی؛ ۲. مکانیزه شدن فعالیت‌های کشاورزی و ایجاد محدودیت‌های شغلی در بخش کشاورزی و ... نیز سبب جدایی جمعیت از روستاها و جذب آن‌ها به شهرها می‌گردد.

لی و بوگ بر نقش عوامل جاذبه و دافعه (تمرکز صنایع و تکنولوژی، دوری از خانواده، اشتغال و درآمد در مبدأ) در ایجاد مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهرنشین و ایجاد حاشیه‌نشینی تأکید می‌کنند. سیفاللهی علل و عوامل تحرکات مکانی و اجتماعی را در دوطیف وسیع تحت عنوان عوامل دفع‌کننده روستایی و عوامل جذب‌کننده شهری طبقه‌بندی می‌کند؛ عواملی که اسباب دفع روستاییان از روستا را فراهم می‌آورند؛ عبارتند از: بیکاری، بیکاری پنهان، عدم دسترسی به مشاغل معتبر، تمرکز زمین در دست عده‌ای محدود و

عواملی را که موجب جذب روستاییان به شهرها می‌شوند را نیز می‌توان چنین مقوله‌بندی کرد: دسترسی بهتر به امکانات بهداشتی و درمانی، تمرکز فعالیت‌های فرهنگی، حضور عوامل مناسب اقتصادی و اداری، تمرکز صنایع و تکنولوژی، حضور دانش فنی و فن‌آوری‌های کارا (سهولت کارها با استفاده از ماشین و ابزار).

با توجه به دریافت‌های نگارنده، جاذبه‌های شهری (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، عوامل فردی (درآمد، بعدخانوار، شغل پدر و تحصیلات) و دافعه‌های روستایی (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) که سبب مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها می‌شود نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش پدیده حاشیه‌نشینی نوین دارند.



شکل (۱): الگوی نظری و تحلیلی موضوع تحقیق

دستاوردها و یافته‌های پژوهش

از آن‌جا که پاسخ دهندگان اغلب افرادی بی‌سواد و کم‌سواد بوده‌اند، نوع تدوین سوال‌ها و سبک و مضامین آن‌ها بسیار ساده و در چندین نوبت، آزمایش و بررسی مقدماتی صورت گرفته است که داده‌های زیر از طریق تکمیل پرسشنامه به دست آمده است و عمده دستاوردهای این پژوهش عبارتند از:

بیشترین میزان فراوانی جمعیت نمونه به کسانی اختصاص داشته است که جنسیت آن‌ها مرد بوده و در طبقه سنی بین ۷۹-۱۸ سال قرار داشته و دارای شغل آزاد بوده‌اند و میانگین درآمد آن‌ها بین ۶۰۰-۸۰۰ هزار تومان می‌باشد.

میزان تحصیلات راهنمایی، بیشترین میزان فراوانی را دارد، با ذکر این مطلب که بیشتر متأهل و دارای دو تا چهار فرزند بوده، عمده مشاغل افراد مهاجر، مشاغل کاذب، ناپایدار و یا مشاغل نیمه تخصصی و یا غیر تخصصی است؛ مانند: کارگری ساختمان، بنایی، گچ‌کاری، خیاطی، رفتگری و نانواپی؛ مشاغل آزاد؛ مانند: رانندگی، مغازه‌داری، دوره‌گردی، دستفروشی در معابر و خیابان‌ها و مشاغل مشابه از مهم‌ترین راه‌های کسب درآمد ساکنین است و از نظر طبقه اجتماعی، همگی از اقشار فرودست موسوم به طبقه پایین جامعه می‌باشند.

بیشتر مهاجران از شهرستان‌های استان اردبیل (مشکین‌شهر، گرمی) و از روستای (ارباب‌کندی) و شهرهای: میانه، زنجان، قوچان، بجنورد، اسفراین، روستای آق‌راش اراک و استان گلستان هستند و مدت اقامت آن‌ها از یک سال تا سی سال است.

دستاوردها و یافته‌های برگرفته از مطالعات اسنادی

حصارک و تاریخچه آن

مکان اصلی شکل‌گیری حصارک: حول یک چشمه قرار داشته است. علت نامگذاری منطقه به حصارک: مردم از کوه و دشت این محله به عنوان چراگاه دام‌های خود استفاده می‌نموده‌اند و چشمه مذکور، آبشخور این حیوانات بوده است؛ اندک اندک اطراف این چشمه توسط افراد حصارهایی زده شد و دام‌های خود را در حصارهایی که بنا نمودند، نگه‌داری می‌کردند. هر مالدار (دامدار) یک آغل یا حصار جدا داشت و آن‌جا حصار حصار شد و به آن منطقه حصارک گفتند.

قدمت روستا: عمر روستا به بیش از ۵۰۰ سال می‌رسد و با توجه به سن درختان قدیمی احتمال دارد که قدمت روستا به ۷۰۰ سال نیز برسد.

شغل: گذران زندگی افراد ساکن در این محله که به روستای حصارک معروف بوده از کوه تأمین می‌شده است؛ از اموری مانند: جاروسازی، تهیه بته برای سوخت شهری‌ها، ذخیره یخ برای تابستان و گوسفندداری و فروش شیر خشت، گردو، زرشک و والک (نوعی سبزی کوهی) و ... را می‌توان نام برد. حصارک محله‌ای است که قبلاً به صورت روستا بوده است؛ اما امروزه جزء تهران محسوب می‌شود. حصارک را می‌توان براساس دستاوردها و یافته‌های برگرفته از مشاهدات به سه قسمت: حصارک شمالی، حصارک مرکزی و حصارک جنوبی تقسیم کرد.

حصارک شمالی

حصارک شمالی شامل خیابان‌های امام خمینی، سلمان فارسی، آبرسانی و ... که خانه‌های این قسمت روی کوه‌ها است؛ درحقیقت کوه‌ها تسطیح شده‌اند و در آن‌جا خانه‌ها بنا شده است. در این قسمت حصارک، به جز مغازه سوپر و نانوايي و چند مغازه‌ی ديگر هيچ امکاناتی مشاهده نمی‌شود. در این قسمت مهاجران، زمین‌ها را از حصارکی‌ها خریداری کرده‌اند و یا حصارکی‌ها زمین‌های بدون صاحب را به مهاجران فروخته‌اند. چون حصارکی‌ها این زمین‌ها و کوه‌ها را متعلق به خود می‌دانند. از آن‌جا که این خانه‌ها در کوه‌ها بنا شده است، کوچه‌ها و خیابان‌ها ناهموار و دارای شیب بسیار تند و ارتباط بین کوچه‌ها و خیابان‌ها توسط پله‌های بسیار زیاد که ساخته شده مهاجران است، برقرار می‌شود.

امکانات اساسی زندگی مانند: آب آشامیدنی شهری، لوله‌کشی‌گاز و سیستم دفع فاضلاب در این منطقه وجود ندارد و از کپسول گاز و نفت استفاده می‌کنند.

کیفیت ساخت و ساز: درساخت و ساز مسکن، از بناهای غیر اصولی و غیر مقاوم و مصالح نامرغوب و بدون پروانه ساخت، استفاده می‌شود. امروزه مهاجرانی که از نظر اقتصادی وضع بهتری دارند، خانه‌های خود را چند طبقه ساخته‌اند و به مهاجران دیگر می‌فروشند و یا اجاره می‌دهند و از این طریق امرار معاش می‌-

کنند. مسکن این مهاجران طوری ساخته می‌شود که یک خانه، سه یا چهار در مجزا دارد. خانه‌ها با مترای کم ساخته می‌شوند و اغلب این خانه‌ها حیاط ندارند. شغل و تحصیلات: مردم این محله از نظر تحصیلات در سطح پایینی هستند و اغلب آن‌ها در شغل‌های خدماتی مانند: نانوائی، ساختمان، رفته‌گری و دستفروشی مشغول به کار هستند.

حصارک مرکزی

حصارک مرکزی شامل خیابان‌های توحید، شاهد ۱ و ۲ و ۳ و ... می‌باشد. همان حصارک قدیمی است که در حقیقت قدیمی‌ترین مکان حصارک در اطراف چشمه بوده است. این چشمه که اکنون خشک گردیده، در حیاط مسجد جامع حصارک واقع است. اهالی بعد از استقرار در اطراف این چشمه، اقدام به حفر قنات کرده و روستا اندک اندک توسعه یافت. مسجد جامع نیز در حال حاضر در میدان توحید، خیابان توحید قرار دارد و تمام امکانات آموزشی و فرهنگی مانند: حسینیه، زینبیه، دارالقرآن، خانه سلامت، مرکز بهداشت و سرای محله، مغازه‌ها، بنگاه‌های معاملات، نانوائی‌ها، بانک‌ها، مطب پزشکان و حتی باغ‌ها و ... در حصارک مرکزی می‌باشد. در این قسمت نیز به خاطر سبک روستایی بودنش خانه‌ها قدیمی هستند و کوچه‌ها و معابر بسیار تنگ و باریک و پرشیب هستند و سیستم دفع فاضلاب ندارند؛ اما این قسمت گاز شهری و آب شهری دارند. مردم حصارک چون به صورت قومی و قبیله‌ای زندگی می‌کنند از همدیگر (حصارکی‌ها) حمایت می‌کنند و مشکلات همدیگر را حل می‌کنند، اما مهاجران را بین خود راه نمی‌دهند و در این بخش حصارک، بیشتر مهاجران افغانی هستند و حصارکی‌ها خانه‌هایشان را به مهاجران افغانی اجاره می‌دهند چون آن‌ها اجاره بهای خوبی به صاحب خانه‌ها می‌پردازند. از نظر اقتصادی حصارکی‌ها بافروش زمین‌ها، ساختن خانه و اجاره دادن آن‌ها وضعیت خوبی پیدا کردند و از این طریق امرار معاش می‌کنند.

حصارک جنوبی

حصارک جنوبی شامل: خیابان‌های جراح تهرانی، عباس حصارکی، خسروی، صدیق و ... می‌باشد. در این بخش از حصارک نیز مهاجران زندگی می‌کنند ولی چون این قسمت حصارک به جنت‌آباد شمالی وصل می‌شود، کاملاً با قسمت‌های شمالی و مرکزی از نظر ساخت مسکن، کوچه‌ها و معابر و حتی از نظر شغل و تحصیلات متفاوت است.

کیفیت معماری و ساخت و ساز: برای ساخت خانه از مصالح ساختمانی مرغوب استفاده می‌کنند و بیشتر خانه‌ها به صورت آپارتمان‌های امروزی ساخته شده است. سیستم دفع فاضلاب، گاز شهری و آب شهری

وجود دارد؛ کوچه‌ها مسطح هستند و عرض کوچه‌ها زیاد است؛ اما امکانات آموزشی و فرهنگی وجود ندارد و همان طور که گفته شد همه امکانات در قسمت مرکزی وجود دارد.

تحصیلات مردم این منطقه از سطح راهنمایی تا سطح دکتری می‌باشد و از نظر شغلی نیز شغل آزاد و دولتی دارند و البته از نظر درآمد نسبت به حصارک شمالی درآمد خوبی دارند و اصلاً خود را حاشیه‌نشین نمی‌دانند. بلکه خود را جزئی از شهر می‌دانند، پس خواستار برخورداری از خدمات شهری مانند سایر نقاط شهر هستند و از آن جا که میزان خدمات رسانی به این مناطق محدود و کمتر بوده، از این رو از خدمات رسانی به این محلات، احساس نارضایتی داشته و خواستار خدمات رسانی بیشتر به این مناطق می‌باشند.

دستاوردها و یافته‌های برگرفته از مطالعات پیمایشی و میدانی

باتوجه به سوال‌های داده شده به مصاحبه شونده‌گان که بر اساس فرضیه‌های تحقیق می‌باشند، یافته‌های زیر به دست آمده است:

بیشتر افرادی که به حصارک مهاجرت کرده‌اند، علل اصلی مهاجرت خود را به ترتیب اولویت: ۱. بیکاری؛ ۲. نداشتن درآمد خوب؛ ۳. نداشتن امکانات آموزشی؛ ۴. امکانات رفاهی در شهرها و روستاها؛ ۵. ارزانی زمین و ارزانی اجاره خانه بر می‌شمردند؛ اما الان در حصارک هم زمین و هم اجاره بها (به خاطر آب و هوای خوب) مانند جاهای دیگر بالا رفته است.

مهاجرانی که ۲۰ تا ۳۰ سال پیش مهاجرت کرده‌اند، معتقدند که در روستاهای شان به جز مسجد، مدرسه ابتدایی، راهنمایی و حمام امکانات دیگری وجود نداشته است؛ اما افرادی که تا ۱۰ سال اخیر مهاجرت کرده‌اند، امکانات آموزشی و تا حدودی رفاهی در روستا و شهرستان‌های شان وجود داشته است ولی مهم‌ترین عامل، بیکاری یا در حقیقت نداشتن شغل و درآمد مناسب است که باعث مهاجرت آن‌ها به تهران و حصارک شده است.

امکانات آموزشی حصارک عبارتند از: مدرسه ابتدایی، راهنمایی دولتی و دو مدرسه غیرانتفاعی ابتدایی و راهنمایی و کلاس‌های آموزشی مختلفی از قبیل: خانه سلامت، خانه بهداشت، کلاس‌های زبان، ژیمناستیک، کاراته، روان‌شناسی و قرآن که همه این کلاس‌ها در سرای محله دایر است. حصارک دارای حسینیه، مسجد جامع، زینبیه، دارالقرآن، پایگاه بسیج و سالن ورزشی است.

اما از نظر امکانات اساسی زندگی، مشکل‌های زیر را دارد:

۱. نداشتن گاز شهری و استفاده از کپسول گاز و نفت؛ ۲. نداشتن آب شهری؛ ۳. فقدان سیستم دفع فاضلاب؛ ۴. نداشتن فضای سبز؛ ۵. نداشتن کتابخانه تخصصی.

بحث و نتایج

سترگ‌ترین نیروی مهاجرت‌زا، نیروی کششی مهاجرت است و تاکنون نیروی رانشی نقش ناچیزی در ایجاد مهاجرت داشته‌اند. یافتن کار و بهره‌مندی از رفاه بیشتر شهری، اصلی‌ترین نیروی کششی به مرکز یا شهر را به وجود آورده است و نیروی رانشی؛ مثل: خشکسالی و بلایای طبیعی، بسیار کم اثر بوده‌اند. حاشیه‌نشینی یکی از معضلات و آسیب‌های مهم شهرنشینی در کشورهای جهان، به خصوص در کشورهای در حال توسعه می‌باشد؛ اگرچه این پدیده در کشورهای جهان به گونه‌های متفاوتی رخ می‌نماید اما با این وجود این پدیده در همه جا تقریباً ویژگی‌ها و مشخصه‌های مشترکی دارد؛ از جمله: واحدهای مسکونی اغلب غیر قانونی و به نسبت فرسوده، حاکم بودن فرهنگ فقر، وجود بسیاری از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی و ... بوده است؛ اما آن چه در این بین حائز اهمیت است، این نکته است که بدون شناخت و بررسی عوامل دخیل در ایجاد و گسترش این پدیده نمی‌توان به اصلاح آن دست زد و یا حتی راهکارهایی برای آن ارائه نمود. با توجه به دستاوردها و یافته‌های موجود، نتایج نهایی این پژوهش در خصوص وجود چنین مسأله‌ای و هم‌چنین عوامل بروز دهنده آن به شرح زیر اعلام می‌گردد: درحقیقت می‌توان گفت که در مرحله حصارک دافعه‌های اقتصادی، دافعه‌های فرهنگی، جاذبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری و گسترش این پدیده، نقش چشمگیری داشتند؛ اما دافعه اجتماعی نقش کم‌رنگ‌تری در به وجود آمدن پدیده مذکور داشته است.

جمع‌بندی

باتوجه به وضعیت کنونی جامعه شهری ایران، پدیده حاشیه‌نشینی، یکی از مهم‌ترین معضلات اجتماعی و شهری است. در کشور ما به دلیل تحولات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که در قرن گذشته روی داده، موجب شده با توجه به رشد بالای جمعیت و محرومیت‌های جامعه روستایی، بخش عظیمی از آن‌ها و نیروی کار روستایی به شهرها کوچ کنند و در پیرامون شهرها و یا اراضی بایر و غصبی درون آن‌ها، به طور غیر رسمی اسکان یابند.

باتوجه به تحقیقات انجام شده (مطالعات میدانی، مشاهدات و مصاحبه) در مرحله حصارک به این نتیجه رسیدیم که مهم‌ترین عواملی که باعث مهاجرت حاشیه‌نشینان شد: ۱. بیکاری؛ ۲. نداشتن درآمد؛ ۳. نداشتن امکانات رفاهی، آموزشی، فرهنگی و ... در شهرها و روستاهایی که زندگی می‌کردند و به خاطر ارزانی زمین و ارزانی اجاره منزل، این مکان را برای اسکان انتخاب کرده‌اند.

راهکارها

راهکارهای کاربردی

۱. افزایش سطح سواد ساکنان حصارک؛

۲. افزایش میزان مشارکت اهالی از طریق ایجاد نهادهای مردمی و محله‌ای، برای نهادینه شدن مشارکت اجتماعی و هدف‌مند شدن مطالبه نیازهای جمعی؛
۳. ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم جهت پر کردن اوقات فراغت ساکنان حصارک؛
۴. ایجاد فضای سبز در محله؛
۵. کاهش آلودگی‌های زیست محیطی از طریق برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای ساکنان؛
۶. احداث سیستم جمع‌آوری دفع آب‌های سطحی با کانال‌های سر پوشیده در معابر اصلی حصارک.

راهکارهای راهبردی

۱. تلاش در اصلاح و تغییر بینش‌های سنتی مهاجران حصارک جهت بازگشت مهاجران؛
۲. ایجاد واحدهای آموزش حرفه‌ای و هدایت شغلی در منطقه حصارک برای آموزش حرفه‌ای جوانان و هدایت آنان در انتخاب شغل؛
۳. فراهم کردن شرایط آموزش رایگان مهارت‌های شغلی و فنی به مهاجران حصارک برای ورود به بازار کار؛
۴. ایجاد مراکز مشاوره خانواده برای مهاجران حصارک؛
۵. بالا بردن سطح درآمد اهالی و رفاه خانوارهای حصارک.

منابع

- داودپور، ز. (۱۳۸۴). **کلانشهر تهران و سکونتگاه‌های خودرووی**. تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- روزنامه جهان امروز، **حاشیه‌نشینی**. تهران، ۱۳۸۸/۵/۱۷.
- زاهد زاهدانی، س. (۱۳۶۹). **حاشیه‌نشینی**. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- زنجانی، ح. (۱۳۸۰). **مهاجرت**. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- سیفاللهی، س. ا. (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران: (مجموعه مقاله‌ها و نظرها)**. تهران: انتشارات جامعه پژوهان سینا. چاپ دوم.
- شکوئی، ح. (۱۳۵۴). **حاشیه‌نشینیان شهر تبریز**. تبریز: انتشارات تبریز.
- قاسمی‌سیانی، م. (۱۳۸۸). **پیامدهای مهاجرت روستا، شهری نسل جوان روستایی**. تهران: انتشارات پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم بهار و تابستان.
- قرخلو، م؛ و دیگری. (۱۳۹۰). **پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی حاشیه‌نشینی**، (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی عین ۲ اهواز). **فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های جغرافیایی**. سال چهارم، شماره ۵۰.
- لطفی، ک. (۱۳۹۰). **اسکان غیر رسمی در کلانشهر اهواز**. اهواز: نشر دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز.
- نقدی، ا. (۱۳۸۹). **مهاجرت و حاشیه‌نشینی در ایران**. **فصلنامه جمعیت**. شماره‌های ۷۳/۷۴.
- هاشم‌زهی، ن. (۱۳۹۰). **آسیب‌های اجتماعی در کلانشهر تهران: (فرا تحلیل پژوهش‌های طلاق و حاشیه‌نشینی)**. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.